

م

ارسال مکانیزم توانایی

مبارزه ادامه دارد

۷- آن که معموس گشته، تو به  
تکریس سرم به امریان  
۸- آن که ره که بجز داشت  
نهاد به رو شده که داشت

۹۰۰

۹- آن که نا از همین نظره شون  
گشته از راه ایمان خوب  
که در راه آزادی منی  
درینی، از کردی از جان خوب

۹۰۱

۱۰- آن که دیوار زدن غیر  
شدید بخود طلب موز اشان  
هم بزیر هاک و اسدیه ها  
که سخت و سعی ایمانشان

۹۰۲

کوئن ملی مانند پر پر از  
فرسته می طلب آن در وحی  
۱۱- آن که فوهم فوهم بخندان  
هدی بر کشش از این اسره و

۹۰۳

۱۲- آن که مر عاد مو شنی  
گشته ای ای ای ای ای ای ای  
۱۳- آن که هر چیز که ای ای عاد است  
و هر چیز که ای ای عاد است

۹۰۴

۱۴- آن که هر چیز که ای ای عاد  
هر چیز می ای ای ای ای ای ای  
۱۵- آن که هر چیز ای ای ای ای ای  
پر بخندان بخندان

۹۰۵

۱۶- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۱۷- آن که ره که بجز داشت  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۰۶

۱۸- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۱۹- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۰۷

۲۰- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۲۱- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۰۸

۲۲- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۲۳- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۰۹

۲۴- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۲۵- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۱۰

۲۶- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۲۷- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۱۱

۲۸- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۲۹- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

۹۱۲

۳۰- آن که مر عادیه همین  
ششاد و دشاد طله ای ای ای  
۳۱- آن که مر عادیه همین  
نمی خشم بخواری ای ای ای

تیپش میهان ما چگونه میزند

اپنی بالام امیر کے والٹکس و دستہ مکانی  
دھالی تاکہ آپہا و بیڑھنے سو مت ملک  
اپنیں و فہرمنہ اپنے نہیں دریاں فوریاں شکار  
و رکھ داریوں ملک اپنے خداوند ایشانی  
است ا اسون ملت کی میں موارد پاٹھی  
تھیں بناوائے اخلاق ایشانی و بیڈھنے  
مکمل است فرمادی بس آپویں لیز  
لئے اپنے ملکف ملک ایشانی ایشانی  
اکثر پندرہ و دھانچوں کی طرف دوستیوں  
دریا بیڈھنے اخلاق ایشانی و بیڈھنے  
دھوں اگر پندرہ نہیں ایشانی و بیڈھنے  
از دھانچوں کا ایشانی و بیڈھنے  
رویں دھوں دھوں آپویں کہ میں کہ فراہم  
ایشانی ایشانی بیوی حسی دھنے میں کہ مصائب  
عائی ایشانی و بیڈھنے کا واسطہ  
بھریں ایشانی ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
اکٹھنے ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
قہریوں کی گئیں ایشانی و بیڈھنے  
کا واسطہ ایشانی و بیڈھنے  
ایشانی و بیڈھنے کا ایشانی و بیڈھنے  
تو بھت ایشانی ایشانی و بیڈھنے  
و سب ایشانی و بیڈھنے کا ایشانی و بیڈھنے  
کیوں و دھانچوں کی کھنکھنے سارے  
و دیاں گلکاف بھریوں دھنے دھنے  
کا ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
و دھانچوں کا بھتی جھلی ایشانی و بیڈھنے  
و دوستیوں کا ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
حرب دھو کر ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
میدانی، بھتی جا کیا ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
برہم ملک ایران و میں ایشانی و بیڈھنے کے  
کرسکن، کرسکن، دھنولوکن کے  
حالت ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
مر گئے و دھنے دوستیوں دوستیوں  
و دھنے دھنے ملک ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
و دھنے دھنے ملک ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
پھنسنے دھنے دھنے ایشانی و بیڈھنے دوستیوں  
میدانی دھنے دھنے دوستیوں دوستیوں  
میدانی دھنے دھنے دوستیوں دوستیوں

سیاری شکنجه پنجاہار پک سرود

5

این آرخه را بجود و استعدادی  
پیش نماده بود. چند دوست شد، گذاشت  
توهین ساختی چند طفله میون در ایام پیش  
دیده بود. همچنان باز این کارهای کوتاه بوده  
که درین میهمانی ایشان ایستاده تا خود را در  
بزرگ و متفوچ نگاه کرد. اما هر چند تلا  
سکر که بجزی بخارا شدید. به کسری  
که فردانه کو خود را از دست داده است  
چنانچه بینند که توییزه مهادت که  
درین میهمانی خود را مطلع نماید برای خوشی  
را و آرخه را باید سیم کارهای دیده بود  
نمیتوانست دلو گرفت که سکنید. تواند خوبیها بزمی  
نهضی داشت. بندنه های یک غیر میانه  
و مسل سان چشم آشی آور بود. یکنایه  
که این انسان را میتوانست خوبی هایی را  
که دارد از خود بگذراند. هر چندی از این  
و گرفته بود. گذلیه مبارزه نمیشد  
که موقیع میگشته. آنرا که آنرا

خارج

سیر و مساله‌ی روز افزون

د حمید صلح و دموکراسی  
و ورثتگی ملایم در  
اردوگاه امیر پالیس  
بہ مرمت ۶

جهش باستانی هرگان و آغاز نوین سال تأسیس حزب توده ایران را به دوم فروردین تبریز میگویند.

